

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث تعبدی و توصلي

يکي از مباحث مهمي را که مرحوم آخوند(ره) عنوان فرموده‌اند، بحث تعبدی و توصلي هست. عنواني که در کفایه مطرح کرده‌اند این است که، اگر اصل وجوب فعلی برای ما مسلم باشد و از ادله اصل وجوبش را استفاده کنیم، اما شک کنیم که، آیا این واجب بعنوان واجب تعبدی هست یا واجب توصلي، اصل اولی چه اقتضائی دارد؟ آیا اصاله الاطلاق، اقتضا تعبدیت دارد یا توصلیت؟ آیا اصل لفظی یا عملی داریم؟ آیا اطلاق لفظی یا مقامی داریم؟

مرحوم آخوند(ره) اصل بحث را تحت این عنوان قرار داده‌اند که، اگر شک کنیم که، واجبی تعبدی هست یا توصلي اصل چه اقتضائی دارد؟

آن وقت برای این که این عنوان منقح شود فرموده‌اند: اموری را باید ذکر کنیم، یک امرش این است که تعبدی و توصلي معنایش چیست؟ یک امرش این است که، آیا قصد قربت مانند سائر اجزاء، قابلیت تعلق امر دارد یا نه؟ آیا قصد قربت، مانند رکوع و سجود یا مانند طهارت، می‌تواند جزء یا شرط مامور به قرار گیرد یا نه؟

این ترتیب بحث مرحوم آخوند(ره) است، لکن همانطوری که بعضی از بزرگان فرموده‌اند، این ترتیب و چینش بحث، آنطوری که باید و شاید نیست و اینها هر کدام، یک بحث مهم و مستقل است؛ اولاً باید بحث کنیم که، تعریف تعبدی و توصلي چیست؟ خود این یک بحث مهمی است.

بعد ببینیم که آیا قصد قربت، قابلیت این را که در مامور به بعنوان جزء قرار گیرد، دارد یا نه؟ بعد ببینیم عند الشک در این که، واجبی تعبدی است یا توصلي، چه باید کنیم؟ بنابر این اولین بحثی که اینجا باید عنوان کنیم، تعریف واجب تعبدی و واجب توصلي هست.

تعریف واجب تعبدی و واجب توصلي

این تقسیم بین اصولیین، تقریباً یک تقسیم رایج و معروفی هست. فرصت نکردم تتبع کنیم که، این تقسیم از چه زمانی داخل در علم اصول شده است؟ آنچه که روشن است این است که، در کتب علمای قدیم اصولی، این تقسیم علی الظاهر نبوده و بعداً وارد در اصول و مباحث اصولی شده است.

ظاهر این تقسیم، تقسیمی است که، محصور به حصر صناعی است، یعنی واجب، یا تعبدی هست و یا توصیلی و شق دیگری نداریم که، نه تعبدی باشد و نه توصیلی. ظاهر این تقسیم این است که، این تقسیم عنوان صناعی دارد و در واجبات شق ثالثی نداریم.

بررسی تقسیم واجب به تعبدی و توصیلی به لحاظ لغت

در حالی که اگر مسئله‌ی تعبدی را به لحاظ لغت بخواهیم مورد بررسی قرار دهیم، -که تعبد از همان عبادت و عبدیت است- به هر فعلی اطلاق عبادت نمی‌شود. اگر کسی فعلی را بقصد قربت انجام دهد، مجرد قصد تقرب الی الله موجب عبادیت عمل نیست، ولو اینکه این قصد تقرب، موجب ترتب ثواب هست.

برای اینکه این معنا روشن شود، باید این نکته را عرض کنیم که، از نظر لغت، عبادت یک مضاف الیه معین ندارد و معنایش همان پرستش و عبودیت است، چه این عبادت اضافه پیدا کند به الله تبارک و تعالی که، می‌شود عباد الله و یا اضافه پیدا کند به اصنام که، می‌شود عبادت اصنام. لذا در تقسیم شرک می‌گویند: شرک در ذات داریم و شرک در فعل و شرک در عبادت.

عبادت معنایش یک خضوع و یک عبودیت و ذلتی است که، در ذات عبادت نهفته است و لذا اگر فرزندی عملی را بقصد تقرب به الی الوالدین انجام دهد، به این اطاعت می‌گویند، اما هرگز بر آن عبادت اطلاق نمی‌شود.

در واجبات شرعی، مثلاً اگر کسی لباسش را بقصد قربت الی الله بشوید، چیزی که شاید در شرح لمعه هم به ما یاد داده‌اند که، هر واجب توصیلی را بقصد قربت انجام دهیم، می‌شود تعبدی. در حالی که این چنین نیست. اگر کسی شستن لباس را بقصد قربت الی الله انجام داد، اینجا می‌گویند که: این اطاعت کرده است و ترتب ثواب بر این عمل، مسلم است؛ اما هیچکس نمی‌گوید که این شخص عبادت خدا را انجام می‌دهد. این عمل مثل نماز، روزه و حج نیست؛ در اینها عبودیت و خضوعی وجود دارد.

سوال:...

پاسخ استاد: اگر کسی لباسش را بدون قصد قربت بشوید، لباس نجسش پاک می‌شود، هیچ ثوابی هم برایش نیست، اما اگر همین لباس نجس را بقصد قربت شست، اینجا تنها چیزی که هست، ترتب ثواب است و ثوابی به او می‌دهند، اما نمی‌توانیم بگوییم: با این عمل عبادت خدا را انجام می‌دهد در عبادت یک مسئله پرستش مطرح است.

ما باشیم و لغت، در لغت به مجرد قصد قربت، بر این مواردی که بیان کردیم عبادت نمی‌گویند. حتی اگر ما باشیم و لغت، در دادن زکات که، قصد قربت معتبر است، اما از حیث لغت عنوان عبادت ندارد.

بنابراین ما باشیم و لغت، باید بگوییم که: واجب بر سه قسم است؛ 1- واجب تعبدی مثل نماز و روزه که، علاوه بر وجود قصد قربت در آن، عنوان عبودیت و پرستش هم وجود دارد. 2- واجب تقریبی داریم که درش قصد قربت آورده می‌شود، ولو اینکه این واجب تقریبی، عنوان عبادت را نداشته باشد 3- واجب توصیلی که نه درش عنوان عبودیت مطرح است و نه عنوان قرب الی الله، یعنی مولا هیچ غرضی از امرش ندارد، مگر وصول مکلف الی الفعل که، این فعل در عالم خارج انجام شود.

سوال:...

پاسخ استاد: تقریبی هم، گاهی درش تعبد هست و گاهی نیست. واجب تقریبی اعم از تعبدی است، نسبت به توصیلی هم واجب تقریبی اعم از تعبدی است. یک واجب تقریبی داریم که عبادت هم هست، مثل نماز و یک واجب تقریبی داریم که عبادت نیست،

مثل جایی که لباس نجسش را بقصد قربت می‌شوید. اما واجب توصلی اخص از تقریبی است که اصلاً قصد قربت در آن محقق نشود.

تعریف اصولیین از واجب تعبدی و توصلی

ظاهر این است که این تقسیم یک اصطلاح اصولی است، در این تقسیم نباید آن دقت لغوی و حتی فهم عرفی را مورد نظر قرار دهیم. در یک اصطلاح اصولی، اصولی به واجبی می‌گوید: تعبدی، که اگر آن خصوصیت نباشد، می‌شود توصلی. اصولی یک اصطلاح خاصی در باب توصلی دارد. حال که اصطلاح خاص دارد، ببینیم که چه تعاریفی برای واجب توصلی و واجب تعبدی شده است.

تعریف قدمای اصولیین و نقد و بررسی آن

اولین تعریف، تعریف قدمای اصولیین است که گفته‌اند: «التوصلی ما علم الغرض من الامر به»، توصلی آن است که غرض از امر به آن مشخص است. شارع اگر فرموده: دفن میت واجب است، می‌دانیم غرض این است که، این میت مسلمان احترامش لازم است، اگر دفن نشود و در فضایی آزاد باشد، آثار بدی بر او مترتب می‌شود و حتک می‌شود. بنابراین غرض از امر در او مشخص است.

اما «و التعبدی بخلافه». مرحوم عراقی(ره)(در مقالات الاصول) این تعریف را ذکر کرده و به قداما نسبت داده‌اند.

پیداست که این تعریف اشکال دارد و اشکالش این است که، غرض از بسیاری از واجبات تعبدیه برای ما روشن است، نماز که اظهر مصادیق واجبات تعبدیه است، غرض در آن روشن است، غرض از امر به نماز «تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ، معراج المومن، عمود الدین» است.

سوال:....؟

پاسخ استاد: اینطور نیست که بطور کلی غرض روشن نباشد یا در باب روزه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»، شارع غیر از تقوا، غرض دیگری بر روزه ندارد، شارع نمی‌خواسته که، مردم مقداری کم خوری کنند و اموالشان را جمع کنند و به دیگران دهند.

البته اگر فقه پویا و جدید، آنطوری که بعضی‌ها متأسفانه در ذهنشان هست، رشد پیدا کند، متأسفانه ممکن است به چنین فکری هم برسند، یک روزی بگویند که: روزه که شارع فرموده، برای این بوده که، آنهایی که بالاخره در یک شبانه روز، سه وعده غذا می‌خورند، یک وعده‌اش را باید جمع کنند و به فقرا بدهند و یک چیزهای دیگر!!! اما غرض این نبوده، هم فقیر و هم غنی باید روزه بگیرند. کسی که روزی یک وعده غذا می‌خورده، باید روزه بگیرد و کسی هم که روزی ده وعده غذا می‌خورد باید روزه بگیرد. غرض اصلی در روزه تقوای الهی است.

علی ای حال پیداست که اگر نگوییم: بسیاری، لا اقل بعضی از واجبات تعبدیه، غرض از امر در آن برای ما مشخص است، لذا این تعریف قداما را، دیگر احادی از متأخرین نپذیرفته‌اند.

از آن طرف – این را الان در ذهنم آمد، خودتان هم رویش فکر کنید – بعضی از واجبات توصلیه هم هست که، غرض آن معلوم

نیست. شارع فرموده: اگر یک سر سوزن بول در لباس باشد، با این لباس نمی‌شود نماز خواند و باید این لباس شسته شود، که نمی‌دانیم غرض مولا در اینجا چیست؟ آیا غرض شارع این است که، با لباس طاهر نماز بخواند، می‌گوییم: چرا با لباس طاهر نماز بخواند؟ آن هم معلوم نیست، بعضی از اوقات انسان مریض است، حتی انسان سلسله البول، در شرایطی نمازش صحیح است و عبادت خدا را انجام می‌دهد. پس نمی‌شود به روشنی غرض از امر و وجوب را در بعضی از واجبات توضیح فهمید.

بلی در دفن میت، غرض روشن است و چون قدما از اول مثال دفن میت در ذهنشان بوده، تعریف را اینطور مطرح کرده‌اند، در حالی که در غسل ثوب و شستن لباس نجس، نمی‌توانیم بگوییم: غرض در اینجا برای ما روشن است.

تعریف مرحوم شیخ انصاری(ره)

تعریف دوم، تعریف مرحوم شیخ انصاری(ره)(در مطارح) است که فرموده‌اند: «توصلي ما لا يعتبر في الاتيان به و سقوط امره قصد التقرب الي الله، آنچه در آوردنش تقرب معتبر نیست، واجب توصلي می‌گوییم و آنچه که در آوردنش قصد تقرب معتبر است، تعبدی می‌گوییم.

این تعریف شیخ(ره)، تعریف خیلی خوبی است، ولی اگر این بیان را ذکر کنیم و بگوییم: شیخ(ره) هم قاعدتا همین غرض را دارد که، توصلي آن واجبی است که، غرض مولا از امری که کرده است، تحقق پیدا نمی‌کند، مگر اینکه مکلف در عالم خارج بقصد قربت انجام دهد. اما اگر غرض مولا بدون قصد قربت هم محقق شود، به آن توصلي می‌گوییم.

روی این بیان شیخ(ره)، اگر کسی لباس نجسش را بدون قصد قربت شست، توصلي می‌شود و اگر با قصد قربت هم شست، باز توصلي می‌شود. اما آن حرفی که از قدیم به ما گفتند که، اگر یک واجب توصلي را، بقصد قربت انجام دهیم واجب تعبدی می‌شود، این حرف تاملی نیست. واجب توصلي چه به قصد قربت و چه بدون قصد قربت، در هر دو صورتش، عنوان توصلي دارد. لذا این تعریف شیخ(ره)، تعریف جامعی هست.

ملاکاتی برای تشخیص واجب تعبدی از توصلي

ملاک شیخ(ره) برای تشخیص و نقد و بررسی آن

آن وقت اگر بخواهیم، یک ملاکی را ارایه دهیم و بگوییم: از کجا می‌توانیم تشخیص دهیم که، یک واجب، تعبدی است و یا توصلي؟ ایشان بصورت متفرق و پراکنده، نه بصورت منظم و دقیق، معیارهایی را ارایه داده و گفته‌اند: در واجب تعبدی، مباشرت شرط است، ولی در توصلي مباشرت شرط نیست. در واجب تعبدی اختیار شرط است ولی در توصلي اختیار شرط نیست.

مثلاً گفته‌اند: اگر زمانی دستگاهی درست کنند بر اینکه، میت را آن مقداری که از نظر شرعی معتبر است، کاملاً کفن پیچ کرده و همین دستگاه، زمین را حفر کرده و میت را دفن کند، لحد هم بگذارد و خاک هم روی او بریزد، اینجا نه مباشرت مکلف درش دخالت دارد و نه اراده مکلف، اما در واجبات تعبدیه اختیار و اراده مکلف و مباشرت مکلف دخالت دارد.

آیا این ملاکی که ارایه کرده‌اند، ملاک درستی است یا نه؟ به نظر ما در مسئله مباشرت و همچنین در مسئله اختیار، برای هر دو نقض داریم، یعنی واجب توصلي داریم که، مباشرت و اختیار درش دخالت دارد، مثل وجوب رد السلام که، اگر کسی به انسان سلام کرد، رد سلام بر این شخص واجب است و همچنین مباشرت و اختیار من هم درش دخالت دارد.

اگر به کسی وکالت دادم که، هر کسی به من سلام کرد، جوابش را بدهد، یا نواری بگذرام که، هر کسی به من سلام کرد، جوابش را بدهد، صحیح نیست. وجوب رد سلام یک واجب توصلی است که، درش قصد قربت دخالت ندارد. اگر کسی به انسان سلام کرد، بر انسان رد سلام واجب است. در اصطلاح فقه به این می‌گویند: از عناوین قصدیه است، یعنی این واجب تحقق پیدا نمی‌کند، مگر اینکه قصد کنم جواب سلام این شخصی را که به من سلام کرده بدهم. لذا این که بگوییم: در واجبات توصلیه، مطلقاً اختیار و مباشرت مکلف دخالت ندارد، فرمایش تامی نیست.

ملاک دیگری برای تشخیص و نقد و بررسی آن

یکی دیگر از ملاک‌هایی را که بیان کرده‌اند، این است که گفته‌اند: تعبدی آن است که، با فعل غیر مباح امکان تحقق ندارد، اما توصلی آن است که، با فعل غیر مباح امکان تحقق دارد. مثلاً اگر لباس نجس با آب غصبی شسته شود، ولو با آب غصبی بوده، پاک می‌شود. اما اگر با آب غصبی وضو گرفت یا غسل کرد، این واجب تعبدی انجام نشده است.

این هم یک ملاک موردی است، یعنی در بعضی از موارد این چنین است، یعنی هم در توصلی‌اش می‌شود نقض پیدا کرد و هم تعبدی‌اش.

چون وقت گذشته است، توضیح این را ان شاء الله روز شنبه عرض می‌کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين